



|                                                            |                                                                                    |
|------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>سازمان من:</b><br>■ مدیر زهرا عباسی                     | <b>سرزمین من:</b><br>■ مدیر زهرا عباسی                                             |
| <b>تدوین:</b><br>■ مدیر عیسی محمدی<br>■ مدیر مریم سرخوش    | <b>سرنگ:</b><br>■ مدیر جواد عزیزی<br>■ مدیر محمد جعفری                             |
| <b>دانشگاه:</b><br>■ مدیر ساسان شادمان<br>■ مدیر زهرا حاجی | <b>مسئله آخر:</b><br>■ مدیر جواد نصرتی<br>■ مدیر وگرافیک:<br>■ مدیر محمد علی حلیمی |
| <b>گزارش:</b><br>■ مدیر سعید میر<br>■ مدیر فاطمه عسگری نیا | <b>جامعه:</b><br>■ مدیر شهلا طباطبایی                                              |

|                                                            |                                                                    |
|------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------|
| <b>سیاسی و دیپلماتیک:</b><br>■ مدیر حسین ارجلو             | <b>شورنگار:</b><br>■ مدیر پروانه بهرام نژاد<br>■ مدیر مریم باقرپور |
| <b>اقتصاد:</b><br>■ مدیر حسین لطفی<br>■ مدیر مریم موسی پور | <b>تماشاگر:</b><br>■ مدیر امیر محمد یعقوب پور<br>■ مدیر لیلی خرسند |

فاطمه عباسی

اینجا زمان متوقف شده است؛ تهران در همان سال های دور مانده و خبری از برج ها و اتوبان ها نیست. اینجا خیابان لاله زار هنوز بورس لوستر و لامپ های درخشان نشده و سینما تابان، گراند هتل، تماشاخانه و عکاسخانه با عکس های سیاه و سفید فیلم های مختلف پشت شیشه اش، انعکاس رد و خا طرات آنها یی است که گذر شان بعد از تماشا ی یک فیلم به عکاسخانه افتاده است. شهرک سینمایی غزالی که حالا به آن شهرک ایران می گویند، تهران را توی مشتش گرفته تا همین قد و قواره اش را حفظ کند و برای آنها یی که تهران قدیم را ندیده اند، خاطره ساز بماند. ۴۶ سال قبل که مرحوم علی حاتمی پایش را اینجا گذاشت، زمینی وسیع بود در جاده مخصوص کرج که هیچ رد و نشانی از تاریخ نداشت. امروز قد کشیده و بخش های تازه ای به آن اضافه شده تا تهران قدیم، همان قدر ظریف و کوچک باقی بماند. کولاژ تهران از آرزوی حاتمی شکل گرفت که می خواست زمینی مشرف به کوه های البرز را برای این شهرک سینمایی پیدا کند. زمین متعلق به فردی به نام غزالی بود و از همان جاثام شهرک غزالی بر آن ماندگار شد. حاتمی می خواست جاده ابریشم را بسازد که بعدها هزار دستان نام گرفت. قدم به قدم شهرک سینمایی و تلویزیونی ایران (غزالی) یادگار یک رؤیاست؛ رؤیای ساخت شهرکی بزرگ برای ساخت فیلم های سینمایی و سریال های تلویزیونی. غزالی حالا رنگ و رخ عوض کرده. بخش های تازه ای در آن ساخته شده و دانه کاشته شده کارگردان هزار دستان، به درختی تنومند تبدیل شده است. برای آنها یی که دل در گرو تهران دارند، اینجا شبیه ماکت کوچکی از تهران است.

## تهران قدیم در جاده کرج

گشت و گذار در شهرک سینمایی غزالی که یادگار علی حاتمی برای صنعت سینمایی ایران است

### شهرک لوکیشن ها

لوکیشن های شهرک غزالی به ۳ بخش تقسیم می شوند:

● **دکور ها و بناهای دوره قبل از اسلام:** این دکور مساحتی در حدود ۱۵ هزار مترمربع دارد که برای ساخت سریال های همچون مریم مقدس، مردان آنجلس، ستاره خضرا و بشارت منجی و... از آن استفاده شده است.

● **دکور ها و بناهای دوره بعد از اسلام:** این دکور مساحتی در حدود ۳۵ هزار مترمربع دارد. سریال هایی همانند سرداران، شیخ مفید، هشت بهشت، کفش های میرزا نوروز، تنهاترین سردار، طفلان مسلم، ولایت عشق و... در آن فیلمبرداری شده اند.

● **دکور ها و بناهای دوره معاصر:** این دکور مساحتی در حدود ۴۲ هزار مترمربع دارد. سریال های پر بیننده ای همچون شهزاد، مدار صفر درجه، شب دهم، کیف انگلیسی، جهان پهلوان تختی، کار آگاه علوی و... در آن فیلمبرداری شده اند.



حاتمی، لاله زار را برای هزار دستان ساخت؛ برای وقتی که مفتش شش انگشتی از همان ماشین قدیمی اش پیاده می شود، دستی به کت و شلوارش می کشد و وارد گراند هتل می شود. بخش زیادی از سریال هزار دستان در همین خیابان ساخته شد تا خاطره تهران قدیم بیشتر از قبل در قاب تلویزیون بنشیند.

شهرک غزالی با کنار هم قرار گرفتن همین قطعات کوچک است که تبدیل به یک پازل بزرگ و تاریخی شده. کل شهرک، ۲ قسمت صنعتی و صنعتی دارد. در بخش سنتی تلاش شده بافت قدیمی این مکان حفظ شود و در بخش دیگر، واحدهای تولید نمایش و صنعتی سازی برپا شده تا روند تولید در حوزه نمایش سرعت بگیرد.

هزینه تولید در شهرک غزالی به واسطه دکورهای از پیش ساخته شده پایین است و کار تیم های تولیدی را راحت کرده است. نه تنها تلویزیون که سینما و پلنرهای مختلف هم برای کارهای تولیدی حوزه نمایش به اینجا می آیند. برخی از آنها برای روایت قصه های تاریخی و برخی هم برای استفاده از دکورهای آماده، دست به دامن شهرک سینمایی غزالی می شوند. در برخی پروژه ها، بخش های تازه ای به شهرک اضافه می شود که بعدها به کار پروژه های دیگر هم می آید. برخی بخش ها هم با گذشت ۴۶ سال از ساخت شهرک، نیاز به بازسازی دارند؛ کاهارون الرشید، کلاه پهلوی، لاله زار، منیریه و بهارستان. بازسازی با استفاده از مواد ماندگار و ملاحظه حفظ شکل سنتی انجام می شود.

هزینه تولید در شهرک غزالی به واسطه دکورهای از پیش ساخته شده پایین است و کار تیم های تولیدی را راحت کرده است. نه تنها تلویزیون که سینما و پلنرهای مختلف هم برای کارهای تولیدی حوزه نمایش به اینجا می آیند. برخی از آنها برای روایت قصه های تاریخی و برخی هم برای استفاده از دکورهای آماده، دست به دامن شهرک سینمایی غزالی می شوند. در برخی پروژه ها، بخش های تازه ای به شهرک اضافه می شود که بعدها به کار پروژه های دیگر هم می آید. برخی بخش ها هم با گذشت ۴۶ سال از ساخت شهرک، نیاز به بازسازی دارند؛ کاهارون الرشید، کلاه پهلوی، لاله زار، منیریه و بهارستان. بازسازی با استفاده از مواد ماندگار و ملاحظه حفظ شکل سنتی انجام می شود.



### تهرانگرام

## لیان شامپوی تهران



سال های زیادی است که نام شهید نورزاد بر پیشانی کوچه نقش بسته، ولی هنوز نوجوانان محل می نازند که «پچه لیان شامپو» هستند و دوست ندارند این هویت را از آنها بگیرند. در محله لیان شامپو از «جنگجویان کوهستان» خبری نیست. هیچ وقت هم گذر شورشیان چینی به این محله تهران نیفتاده، ولی ساکنانش زندگی پر حکایتی دارند. انگار سال ها ست کسی به سر و روی محله لیان شامپو یا همان خیابان کامپ و خیابان نورزاد دستی نکشیده و عمار کپوت و کهنگی از در و دیوارش می بسازد. قفل و چفت و بست های رنگ زده ای که روی درهای کوتاه چند خانه آجری جا خوش کرده نشان می دهد عده ای از اهالی قدیمی محل مدت ها پیش قید خانه های لرزان خود را زده اند و از اینجا رفته اند. بعضی از خانه ها را هم به کلی تخریب کرده اند و دیوارهای شکسته ای که از این بیغولها به جا مانده، در گوشه و کنار لیان شامپو کنج هایی ناامن بوجود آورده اند. اما مظاهرا اهالی این کوچه نمی گذارند پای غریبه ها به این محل باز شود و مدتی پیش که متدای یکی از کنج های دنج محل را برای شب خوابی و استعمال مواد انتخاب کرده بود، یکی از اهالی طوری او را گوشمالی داد که دیگر آن طرفه پیدایش نشد. پس کوچه های بن بست لیان شامپو از کوچه های آشتی کتان کوتاه و بار یک است که نه تنها در خیابان آزادی، بلکه در هیچ یک از محله های جنوب غرب (جنوبی ترین بخش منطقه ۲) نظیر آنها پیدا نمی شود. تعداد زیادی از این پس کوچه ها به نام نمبر ۱، نمبر ۲ و... نامگذاری شده اند. در میان خودروهایی که در دو راسته خیابان شهید نورزاد پارک شده اند، خودروی لاکچری و مدل بالای به چشم نمی خورد. مجتمع های آپارتمانی نوسازی که لابه لای خانه های تانانزای دلگیری و فرسودگی آن را کم کرده اند، در این آپارتمان هزاره جویان محله پاتک و توک غریبه هایی که به عنوان مستاجر گذر شان به لیان شامپو افتاده، زندگی می کنند. تقریباً همه مردان لیان شامپو به کارهای آزاد مشغول هستند و رانندگی در دل جاده ها شغل مورد علاقه عده زیادی از آنهاست. کسانی هم که دستشان به دهانشان رسیده مغازه و سوپرمارکتی در همان حوالی راه انداخته اند و زندگی شان را می چرخانند.

### دیروز نامه

## بوستان هایی برای تقویت جسم و جان



بوستان های ریز و درشت شهر تهران، ریه های پایتخت اند که آلودگی ها را در بافت می کنند و بی منت، پاکیزگی و طراوت به شهر می بخشند. در همین راستا، گزارشی در روزنامه همشهری ۳۰ سال پیش منتشر شده که نشان می دهد مدیران شهری پایتخت از همان سال ها، به موضوع فضای سبز اهمیت می دادند. این گزارش با تیتر «تعداد پارک های تهران در ۵۰ سال گذشته، ۳ برابر شده است» آغاز شده و در ادامه عنوان کرده که از اوایل سال ۱۳۶۹ تا پایان سال ۱۳۷۳، تعداد بوستان های تهران از ۱۸۴ به ۵۷۰ بوستان رسیده است. بد نیست بدانید همین ماه پیش، مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای اسلامی شهر تهران اعلام کرد تعداد بوستان های تهران به ۲۴۲۲ قطعه می رسد و این یعنی هر سال، حداقل ۱۶۰ بوستان، به پارک های تهران اضافه شده است که برخی از آنها از نظر وسعت، قابل توجهند.

این رشد البته قابل توجه است، اما نکته ای است که در این گزارش به آن اشاره نشده، آن است که در شکل جدید بوستان های تهران، تنها به گسترش فضای سبز توجه نشده و مدیران شهری کوشیده اند با تعبیه و سبایل ورزشی، ساخت سراهای محله و کتابخانه ها، بوستان ها را به محلی برای تقویت جسم و جان شهروندان تبدیل کنند.

## اعیان نشینان پایتخت ساکن کدام محله بودند؟



نخستین پمپ بنزین سیدمروش طباطبایی بود پایتخت در دوره قاجار در محله امیریه تهران راه اندازی شد؛ این جمله البته به خودی خود تاریخی و جالب است اما مفهوم مهم دیگری هم در دل خود دارد؛ اینکه محله امیریه در عهد قاجار یک محله اعیان نشین بوده که بیشتر ساکنانش در روزگاری محله اعیان ها به برکت چهارپایان از این سوسه به آن سوی شهر می رفتند، اتومبیل داشتند و باید بنزین می زدند. در این شماره قرار است گشتی در این محله قدیمی پایتخت بزنیم و در فضای آن روزهایش نفس بکشیم.

### تاریخش

چهارمین پسر ناصرالدین شاه عزیز که در تن پسر شاه بود که او را امیر کبیر هم می نامیدند، نامش کامران میرزا نایب السلطنه بود و دارای های فراوانی داشت. یکی از آنها باغی های بود وسیع و صفا که از میدان توپخانه یا همان میدان امام خمینی کنونی تا باغ شاه یا همان میدان حر کنونی گسترده شده بود و به افتخار صاحب این دارایی ها محله را امیریه نامیدند. در آن روزگار، دیگر درباریان نیز به امیریه می آمدند و به مرور در دوره پهلوی، برگ و بار محله ریخت و هم وسعتش آب رفت و هم درخت های بلند و سر به فلک کشیده اش را باد برد. اکنون محله امیریه پهنه ای است میان خیابان کارگر جنوبی تا خیابان وحدت اسلامی.

### اولین های امیریه

یکی از نخستین رخدادهای این محله قدیمی البته غم انگیز است؛ نخستین تصادف منجر به فوت یا خودرو در این محله رخ داد و کسی که جانش را در این حادثه از دست داد، هنرمندی دوست داشتنی و بزرگ بود؛ درویش خان، از بنام ترین استادان موسیقی ایران که اثر شگرفی بر موسیقی ایرانی گذاشت. این حادثه در دوم آذر سال ۱۲۰۵ رخ داد و او که با کالسه به سوی خانه می رفت، در جنوبی ترین چهارراه این محله یعنی بل امیرپهادی، با خودروی فردی تصادف کرد و جان باخت. از دیگر اولین های این محله، نخستین چراغ راهنمایی تهران است که در تقاطع خیابان امیریه با خیابان امام خمینی کاشته شد. مرکز ناشنویان «سما» نیز از نخستین مراکزی بود که برای رسیدگی به امور ناشنویان از سوی جبار باغچه بان در سال ۱۳۱۶ در این محله گشایش یافت.

### خانه های شاعرانه

برخی خانه های این محله از یادگاری های تاریخی تهران قدیم است که البته اکنون از آنها اثری باقی نمانده است؛ مثلا خانه و باغی بزرگ متعلق به میرزا سلیمان خان میکده بود که در جایی میان خیابان امیریه و چهارراه گمرک، روبه روی مسجد مشیر السلطنه قرار داشت و گروهی از پیشگامان عصر مشروطه آنجا دور هم جمع می شدند و برای پیشبرد انقلاب، برنامه ریزی می کردند؛ امروز اثری از آن خانه باقی نمانده، اما خانه ای شاعرانه هم در این محله هست که بوی فروغ می دهد. پدر فروغ فرخزاد، شاعر معاصر، در کوچه خادم زاد محله امیریه خانه ای ساخت که فروغ از بدو تولد یعنی سال ۱۳۱۳ در آن زندگی می کرد. این خانه در سال ۱۳۹۷ در فهرست آثار ملی قرار گرفت و هنوز پابرجاست.

### اکنونش

پس از گسترش تهران، اعیان نشینان محله امیریه آهسته آهسته از این محل کوچ کردند و آن باغ ها و بوستان ها تبدیل به خانه های کوچک و آپارتمان های جمع و جوری شد که برای ساختن درخت های محله را هم بریدند؛ اما همچنان محله امیریه یکی از محله های بنام و باصفا منطقه به حساب می آید.

